مولفه‌های مواجهه هوشمند با پروژه‌های عملیات روانی در ماه‌های آخر فشار حداکثری

واقع‌بینی، صداقت و برخورد متناسب با خاطی

صفحه ۲ را بخوانید

فرهیختگان

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
تهران ۲۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

شماره مسلسل ۳۹۰۵
سه‌شنبه ۶ آبان ۱۳۹۹
۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۲
۲۷ اکتبر ۲۰۲۰
شماره ۳۱۶۷

ایران پیشرفت‌های خوبی برای رسیدن به واکسن کرونا داشته اما تا دسترسی عمومی راه مانده

واکسن ایرانی؛ در مسیر شدن

»۱۶

www.Fdn.ir | Tue | 27 Oct 2020 | vol.12 | No. 3167 | 16 Pages

داستان خروج چند خواننده از کشور که با معجزه انفعال تلویزیون به مخاطب شناخته شدند، ابعاد مهمی دارد

جریان زیرزمینی موسیقی و قمار چگونه مشهور شد

»۱۲،۱۳

«فرهیختگان» بررسی کرد

حوزه پزشکی دانشگاه آزاد در خدمت بیماران کرونایی

»۴

ترکیه با ورود به جنگ قره‌باغ به پیروزی‌هایی تاکتیکی و شکست‌هایی راهبردی رسیده است

اردوغان رودست می‌خورد؟

»۷

وسنو و جامعه‌شناسی فرهنگ در گفت‌وگوی «فرهیختگان» با مصطفی مهرآیین

در مدیریت فرهنگ باید ایده، ایده را کنترل کند

»۱۴،۱۵

یادداشت - ۱

چالش‌های خروج نیروهای آمریکایی از عراق

پرهام پوررمضان
پژوهشگر اندیشکده روابط بین‌الملل

ایالات متحده آمریکا برای درپیش گرفتن طرح خاورمیانه بزرگ از اواسط دهه ۹۰ میلادی اقداماتی را ابتدا از منظر سیاستگذاری و بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر به‌طور عملی توانست در منطقه خاورمیانه آغاز کند که حمله به کشور عراق در ۲۹ اسفندماه ۱۳۸۱ نیز از این دست ماجراجویی‌های این کشور در منطقه بوده است. ایالات متحده با طولانی کردن حضور خود در این کشور مقاصد مختلفی را پیگیری کرده است اما درنهایت در سال ۱۳۸۹ به‌دلیل درگیرشدن در جهات گوناگون و طبق یک استراتژی، حضور خود را در عراق از صورت رسمی به غیررسمی تغییر داد.

همین امر سبب شد نیروهای خود را در این کشور به‌حالت پخش در سرزمین دربیاورد؛ اما با ترور شهید سردار قاسم سلیمانی و دیگر سرداران مقاومت، اخراج نیروهای ایالات متحده از کشور عراق به یک خواست عمومی و در منظر حکمرانی به یک مصوبه در پارلمان این کشور تبدیل شد.

اما سیاست خارجی ایالات متحده بعد از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد به یک سیاست خارجی تهاجمی تبدیل و همین امر سبب شد مفهوم امنیت یک‌جانبه را در رد امنیت از سایر کشورها پیگیری کند اما در اینجای یادداشت برآنم تا کمی در رابطه با دلایل حضور ایالات متحده در عراق نکاتی را به عرصه تحلیل بیاورم.

هر کشوری برای دو عنصر و پارامتر مهم یعنی منفعت و امنیت ملی با دیگر کشورها ارتباط ایجاد می‌کند، حال این ارتباط می‌تواند در قالب مناسبات دیپلماتیک باشد یا مثل رابطه این دو کشور برمبنای اشغال نظامی باشد و همین امر سبب می‌شود با توجه به دو پارامتر بالا، مفاهیم مهم و پررنگی همچون اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... را در آن جامعه تحت کنترل بگیرد.

از آنجایی که اقتصاد نقش مهم و پررنگی در یک جامعه ایفا می‌کند کشور ایالات متحده با اصل قرار دادن این امر تا امروز بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار در کشور عراق صرف امور مختلف از جمله نظامی، فرهنگی، سیاسی و... کرده است. اما در نوع هزینه کرد ایالات متحده در این کشور یک مساله مهم نهفته است و آن هم نفوذهای امنیتی آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده است که طبق آخرین برآوردها تا پایان سال ۲۰۱۹ بیش از ۷۰۰ میلیون دلار در کشور عراق صرف امور امنیتی مورد نیاز خود کرده است.

شاید بتوان اولین دلیل حضور این کشور در عراق را برمبنای یک تئوری غلط به‌نام ایجاد دموکراسی دانست و همین گرایش به این تئوری در جامعه نخبگانی ایالات متحده سبب شد این طیف دچار درک ناصحیح از جامعه عراق شوند و حضور فیزیکی خود را به اختلافات داخلی جامعه عراق از جمله چالش‌های هویتی و قومیتی، مسائل فرهنگی و همچنین مکانیسم‌های قدرت گره بزنند.

برخی دیگر بر این باورند که دومین دلیل حضور ایالات متحده در کشور عراق را می‌توان در کمک نظامی به نیروهای عراق درجهت مبارزه با داعش دانست. نگارنده معتقد است این دلیل برای حضور ایالات متحده در کشور عراق یک توهم بزرگ و یک خطای استراتژیک در نظم نوین جهانی است و دلیل این امر هم در آن است که نمی‌توان یک جسم کثیف را با دستمالی کثیف پاکیزه کرد. ایالات متحده آمریکا خود هم از منظر تفکر و هم از منظر آموزش به‌وجودآورنده اصلی این نیروهای بنیادگرای تکفیری برای به خطر انداختن جامعه عراق و در نگاهی کلی‌تر جامعه خاورمیانه است.

اما برخی دیگر در سومین مورد از جمله دلایل حضور ایالات متحده را در کشور عراق، جلوگیری از کنترل و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق و نگاهی بالاتر در منطقه خاورمیانه می‌دانند و بر این اصل استوارند که جمهوری اسلامی ایران در نقطه مقابل ایالات متحده آمریکا تمایلی به کشاندن جنگ به مرزهای حقیقی و مجازی خود ندارد و هر دو طرف گرایش به این موضوع دارند که در منطقه سومی با یکدیگر به تقابل بپردازند.

نگارنده معتقد است این دلیل نیز برای حضور این نیروها در عراق دلیلی منطبق بر درک صحیح از روابط بین‌الملل نیست و سبب این امر را هم در این می‌داند که اصولا کشور عراق در زمان نخست‌وزیر، آقای الکاظمی رویکردی متفاوت به فضای روابط بین‌الملل دارد و خواهان این امر است که از حالت به‌اصطلاح به بازی گرفته شدن کارت این کشور توسط هر کشور دیگری جلوگیری کند و در نکته‌ای دیگر مناسبات فی‌مابین تهران و بغداد مناسباتی عمیق، استراتژیک و راهبردی است و همین امر موجب می‌شود تحلیل‌هایی برمبنای نفوذ جمهوری اسلامی ایران به این کشور برای ارتقای هژمونی نه‌تنها غلط محسوب شود بلکه به کمک‌های انسان‌دوستانه و بر پایه آرمان‌خواهی انقلاب اسلامی ایران بیفزاید.

اما شاید بتوان دلیل دیگر حضور نیروهای ایالات متحده در عراق را کمک‌های مختلف به متحدان خود در این منطقه دانست. از این متحدان می‌توان به کشور اردن اشاره کرد، این کشور گمشده‌ای به‌نام ثبات و امنیت دارد، از آنجایی که بحران سوریه مساله‌ای بود که می‌توانست کشور اردن را نیز به نابودی برساند این بحران می‌توانست اردن را که اتفاقا از منظر ژئوپلیتیک مرز مشترکی با سوریه دارد، دچار یک خلأ امنیتی کند و در همین جهت این کشور برای محافظت از مرزهای خود به ایالات متحده نیاز فزاینده‌ای دارد و با خروج این نیروها از عراق تهدیدهای فراوان امنیتی نیز این کشور را با چالش‌های جدیدی مواجه می‌کند. در نگاهی دیگر احتیاج متحدان خلیج‌فارس این کشور به حضور ایالات متحده در عراق مساله‌ای است که نباید در تحلیل‌ها مغفول بماند.

امروزه با بیان آنچه برآورد شده از آمارها می‌توان به‌صورت محکم بیان کرد همه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس، نیروهای آمریکایی در عراق را پایه و اساس نیروها و واحدهای نظامی آمریکایی می‌دانند که در خاک خود، میزبان آنها هستند. البته نگارنده معتقد است ایالات متحده با در پیش گرفتن یک استراتژی غلط نسبت به جمهوری اسلامی ایران، به این کشورها این مفهوم را القا می‌کند که این نیروها برای دفاع از تهدید ساختگی ایران برای این کشورها حیاتی به‌نظر می‌رسند.

در پایان برشمردن دلایل حضور ایالات متحده در کشور عراق باید به نکته مهمی تحت‌عنوان رژیم صهیونیستی اشاره کنیم. رابطه این کشور و ایالات متحده بر پایه خط‌قرمزهای دوطرفه است بدین گونه که هر عاملی که درجهت ارتقای هژمونی ایالات متحده باشد در نظر کارگزاران سیاسی رژیم‌صهیونیستی از اهمیت بالایی برخوردار است و بالعکس، امنیت رژیم‌صهیونیستی برای سیاستمداران آمریکایی همچون امنیت ملی آمریکا درنظر گرفته می‌شود.

ایالات متحده در برهه‌های مختلف ثابت کرده برای امنیت رژیم‌صهیونیستی حاضر است هزینه‌های سنگینی را پرداخت کند. درنتیجه خروج آمریکا، رژیم‌صهیونیستی برای دفاع از خود تلاش خواهد کرد و همچنین گروه‌های تروریستی در عراق را برای مقابله با گروه‌های نزدیک به ایران تقویت و پشتیبانی می‌کند. این اقدام می‌تواند پشتوانه‌ای برای وضعیت شکننده رژیم صهیونیستی در منطقه باشد. همچنان که رژیم صهیونیستی بارها در سوریه نشان داده است که برای تامین امنیت خود تنها به اقدامات آمریکا وابسته نبوده و خود نیز برای تامین امنیت اقدامات عملیاتی و نظامی انجام می‌دهد.

در پایان این یادداشت باید بیان کرد ایالات متحده آمریکا میلیاردها دلار در عراق هزینه کرده است. این کشور اهداف استراتژیک بلندمدتی را در این کشور درنظر دارد. کنترل منابع انرژی، مهار قدرت جمهوری اسلامی ایران، دفاع از متحدان منطقه‌ای و مبارزه با تروریسم درحال حاضر مهم‌ترین دلایل حضور در این کشور یعنی عراق است.

ایالات متحده آمریکا با برگزاری گفت‌وگوهای راهبردی با عراق به‌دنبال گرفتن تضمین برای استمرار حضور نظامی هرچند محدود و ایجاد روابط اقتصادی در عراق است. فلذا این کشور از یک سو درصدد است با خروج جزئی نیروهای نظامی خود بخشی از مطالبات جریان‌های سیاسی و امنیتی عراق را محقق کند و ازسوی دیگر به‌هیچ‌وجه پایگاه‌های مهم و راهبردی خود مانند عین‌الاسد و حریر در اربیل را تخلیه نخواهد کرد.

درمجموع آمریکا درصدد است میان کاهش نیروهای نظامی خود در عراق برای تحقق برخی مطالبات جریان‌های سیاسی عراق و همچنین پیگیری استراتژی نظامی و امنیتی خود در این کشور با تضمین بقای حضورش، در سایه حصول توافقنامه جدید یک موازنه ایجاد کند. البته ان‌شاءالله با هوشیاری مسئولان عراقی این توطئه نیز خنثی خواهد شد.

یادداشت - ۲

عقلانیت و لزوم تحول در سازوکار سربازی

مهدی نیک‌صفت مطلق
روزنامه‌نگار

هفته گذشته، خبر افزایش سه‌ماهه خدمت سربازی سر و صدای زیادی کرد. سه ماهی که درنظر تصمیم‌گیران به‌نظر زیاد نمی‌آمد، بهانه‌ای شد برای فوران انتقادات علیه فرم فعلی سربازی. سربازی اما مشت نمونه خروار از حکایت‌هایی است که بسته به رویدادهای تلخ اجتماعی، گُر می‌گیرند و شعله می‌کشند، اما در کمتر از یک هفته، میل به خاکستر شدن می‌کنند. این روزها روایت مسائل دردناک جامعه، شاید مُد شده باشد، اما هر مُد جدید، اگر در میدان عمل نتیجه‌ای مثبت خلق نکند، «دِمُده» می‌شود.

بحث اصلی اما بر سر دمدگی فعالیت مدنی در قالب شبکه‌های اجتماعی نیست. بحث بر سر این است که چگونه این زنجیره‌های روایتی می‌توانند در سطح قدرت به طرح سیاست مثمر ثمری تبدیل شوند، چراکه یکی از نشانه‌های مهم مدنی شدن جامعه، به سرانجام رساندن مطالبات عمومی‌اش در سطح قدرت است. در اینجا اما مهم‌ترین وجه کنش جامعه در مواجهه با مطالبات عمومی، راه انداختن «تئاتر سوگواری» است. وضعیتی که در آن هرچه روایتت تلخ‌تر و وحشتناک‌تر باشد، بینندگان بیشتری پای صحنه گردانی‌ات می‌نشینند.

از طرفی تئاتر سوگواری، به‌شدت قدرت‌ستیز است و ستایشگر لحظه بحرانی. به‌عبارت دیگر صحنه‌گردانان این تئاتر، راه مهم‌ترین پیش‌شرط‌های بهبود وضعیت حکمرانی، یعنی «تاثیر بر قدرت» و «آینده‌نگری» را نادیده می‌گیرند.

از سوی دیگر منصفانه نیست که در همین ابتدای کار از مردم انتظار داشته باشیم، به بهترین شکل ممکن اقدام به کنشگری اجتماعی کنند و خب سوالی که پیش می‌آید این است که چطور می‌شود سطح کنشگری اجتماعی را از وضعیت «تئاتر سوگواری» جدا کرد و مکانیسمی را برای پیشبرد مطالبات عمومی در راستای تغییر سیاست‌های غلط طراحی کرد؟

طراحی چنین مکانیسمی سه وجه دارد: مردمی، نخبگانی و حکومتی. در ساده‌ترین حالت ممکن، این سه وجه باید به‌صورت متقابل و درهم‌تنیده با یکدیگر ارتباط داشته باشند، به این نحو که نخبگان، مطالبات عمومی مردم را بررسی کرده و آن را در قالب راهکارهایی قابل اجرا به‌دست مسئولان حکومتی برسانند. مسئولان مربوطه سیاست‌ها را اجرا کنند و سیاست‌ها اجرا شده مجددا توسط نخبگان و با نگاهی به نظرات مردم، ارزیابی شده و پس از اصلاحات مجددا وارد فاز نهایی شود. تکرار مداوم این روند در بلندمدت منجر به حل بخش قابل توجهی از مشکلات مردم خواهد شد. البته که این مسیر دشواری‌های زیادی دارد، اما اصل در اینجا نمای کلی از مسیری است که باید انجام شود.

با این اوصاف نقش نخبگان به‌عنوان رابط میان مردم و مسئولان نقش بسیار حیاتی و مهمی است. حال مساله این است که نخبگان چگونه می‌توانند رابطه بسیار پرشکاف فعلی بین برخی مسئولان و مردم را تبدیل به رابطه‌ای عقلانی کنند.

یکی از مهم‌ترین وظایف نخبگان جامعه در هر سطحی پیگیری مطالبات عمومی است. درحال حاضر و ناظر به وضعیت فعلی کشور، بهترین کانالی که نخبگان اجتماعی از دل آن می‌توانند مطالبات عمومی را بررسی کرده و تبدیل به پیشنهادهای سیاستی کنند «اندیشکده‌های سیاستگذاری» هستند. مهم‌ترین وظایف این اندیشکده‌ها رصد روزانه معضلات عمومی دولت و مردم و گزینش آنهاست. پس از گزینش، مسئولیت اصلی اندیشکده بررسی دقیق ابعاد مساله و درنهایت رسیدن به راهکاری مطلوب برای عرضه به مسئولان حکومتی است. به‌عبارت دیگر، شکاف میان مطالبات عمومی و تصمیمات، مصوبات و قوانین وضع شده توسط مسئولان حکومتی، قرار است با کنشگری نخبگان در قالب اندیشکده‌های سیاستگذاری پر شود. با تداوم این اتفاق و به‌ثمر رسیدن برخی از مهم‌ترین مطالبات مردم که این روزها بیشتر رنگ و بوی اقتصادی و اجتماعی دارد دو اتفاق بسیار مهم می‌افتد:

یک؛ رفته‌رفته تعامل مردم با نخبگان عمیق‌تر شده و به همین ترتیب سطح فعالیت‌شان به‌تدریج از وضعیتی صرفا سوگوارانه خارج شده و رنگ و بوی واقعی، عملیاتی و در معنای دقیق کلمه «مدنی» به خود می‌گیرد.

دو؛ ذهن مسئولان حکومتی به‌تدریج با مطالبات واقعی مردم دقیق‌تر پیوند می‌خورد و عرصه تصمیم‌گیری آنها را بیش از پیش به میدان معضلات روزمره زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم می‌کشاند.

درحال حاضر وضعیت اندیشکده‌های سیاستگذاری در ایران چندان بد نیست، اما تعداد این اندیشکده‌ها به‌قدری کم است که یارای مواجهه با این حجم از مشکلات را ندارند. پس ساده‌ترین راهکار در این راستا، تقویت و تکثیر اندیشکده‌های سیاستگذاری در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و ملی است. به‌عنوان مثال در همین موضوع سربازی، هفته گذشته اندیشکده سیاستگذاری امیرکبیر، این بحث را کمی تخصصی‌تر پیگیری کرد و از مدعیان راهکار برای این معضل دعوت به‌عمل آورد تا راه برای رسیدن به راهکاری دقیق در بلندمدت هموار شود.

خواسته یا ناخواسته وضعیت امروز جامعه با شرایط مطلوب فاصله دارد. از طرفی با تورم مطالبات عمومی جامعه و از طرف دیگر با ناکارآمدی دستگاه حکمرانی اجرایی روبه‌رو هستیم. یکی از مهم‌ترین راهکارهای موجود برای کمینه کردن مطالبات و بهینه کردن کارآمدی، حضور پررنگ و مصمم‌تر نخبگان در اندیشکده‌های سیاستگذاری برای حل مشکلات اساسی کشور است. حضوری که هم حمایت اندیشکده‌ها را در پذیرش نخبگان توانمند می‌طلبد و هم حمایت دستگاه‌های حکمرانی را برای میدان دادن به اندیشکده‌ها.